

## « فلسطین: افغانستان شرق میانه »

تهاجم اسرائیل بر باریکه غزه که بزودی به هفته چهارم خویش داخل میگردد تاکنون منجر به کشته شدن بیش از یک هزار و چهارصد و پنجاه و سه فلسطینی گردیده است. این تهاجم با حملات هوایی اسرائیل آغاز گردید و بعد با دخول تانک ها و عساکر زمینی اسرائیلی همچنان ادامه دارد. هدف این تهاجم از جانب اسرائیل شکست آتش بس از جانب حماس که در باریکه غزه کنترل ان منطقه را بر دست دارد ذکر گردید. در طول این تهاجم حماس به شلیک راکت بر خاک اسرائیل ادامه داد و هر دو جانب به تقاضای ملل متحد و اعضای شورای امنیت مبنی بر مذاکرات جهت ختم این تهاجم و آغاز آتش بس اعتنایی نمودند و همچنان به حمله بر یکدیگر ادامه داده اند.

فلسطین و تاریخ ان شباهت غربی به افغانستان دارد. محدوده سرحدات فلسطین در سال ۱۹۱۹، درست همان سالی که افغانستان استقلال خود را بدست آورد، از جانب حکومت برتانیه و فرانسه مشخص گردید. در سال ۱۹۴۷ ملل متحد لایحه بی را برای انقسام فلسطین به دو بخش عرب نشین و یهود نشین بتصویب رسانید. رهبران یهودی از این تصمیم استقبال نمودند ولی رهبران کشور های عربی این تصمیم را رد نموده و در مقابل ان دست به تظاهرات خشونت آمیز زدند. بتاريخ شانزدهم ماه می سال ۱۹۴۸ کشور اسرائیل بشکل رسمی ایجاد گردید و در همان هفته لشکری متشکل از عساکر کشور های لبنان، سوریه، عراق، مصر، اردن و دیگر گروه های عرب بر اسرائیل حمله نمودند. در سال ۱۹۴۹ موافقتنامه بی در میان اسرائیل و کشور های عرب همسایه با فلسطین به امضا رسید که تمامیت اراضی فلسطینی را از بین برد. طبق این موافقتنامه بخشی از خاک فلسطین در میان کشور های عرب که شامل مصر، سوریه و اردن میگردد تقسیم شد و حکومت عرب با دریافت سهم خویش از خاک فلسطین از کوشش برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی دست برداشته و مخالفت خود را با اسرائیل خاتمه دادند.

در جنگی در سال ۱۹۶۷ که بنام جنگ شش روزه نامیده شد اسرائیل توانست کرانه غربی رود اردن را از اردن و باریکه غزه را از مصر بشمول شرق بیت المقدس بتصرف خود در آورد. در سال ۱۹۸۸ بعد از اعلام استقلال، فلسطین توسط یکصد و هفده عضو ملل متحد به رسمیت شناخته شد.

جنگ میان فلسطین و اسرائیل بعد از ایجاد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ آغاز گردید و اکنون شصت و یک سال است که این نزاع در میان ایندو کشور ادامه دارد.

اسرائیل برای تقویت حضور خود در ان منطقه معاهدات زیادی را با کشور های مصر، اردن و عراق به امضا رسانید. مذاکرات برای حل بحران فلسطین و اسرائیل موجب تصویب موافقتنامه های متعدد منجمله موافقتنامه آزلو در سال ۱۹۸۷ گردید. همچنان عکس العمل های متعدد در مقابل این موافقتنامه شامل تصمیم یک جانبه ایریل شرون صدراعظم وقت اسرائیل به خروج از باریکه غزه در سال ۲۰۰۳ میگردد که این موضوع تقاضای فلسطینی ها را مبنی بر خودمختاری باریکه غزه عملی ساخت.

بعد از خروج اسرائیل از باریکه غزه که در سال ۲۰۰۵ تکمیل شد فلسطینی ها انتخابات را در باریکه غزه در میان دو حزب حماس و فتح دایر نمودند که حماس برنده اکثریت آرا و پیروزی در انتخابات گردید. پیروزی این حزب در انتخابات باعث منازعات در میان فتح و حماس گردید و اسرائیل سرحدات باریکه غزه را مسدود نمود. حماس از کنترل کامل خود بر باریکه غزه در آوردن راکت انداز ها و ایجاد لانه های آموزشی نظامی برای حمله بر اسرائیل استفاده نمود و به ایجاد تونل های زیر زمینی برای انتقال سلاح و حمله بر پوسته های اسرائیلی آغاز کرد.

حزب حماس در سال ۱۹۹۲ با الهام از شیخ عزالدین قاسم رهبر ملی گرای فلسطین که در سال ۱۹۳۵ توسط برتانیه کشته شد ایجاد گردید. شیخ احمد یاسین بنیان گذار حماس از گروه اخوان مصر بود. بعد از آنکه حماس در انتخابات در باریکه غزه برنده گردید و در سال ۲۰۰۶ به ایجاد کابینه خود پرداخت، مخالفت میان ان حزب و فتح منجر به انقسام در میان فلسطینی ها شد. گرچه در سال ۲۰۰۶ فتح و حماس روی ایجاد یک حکومت متحد موافقه نمودند ولی منازعه و مخالفت در میان ایندو حزب همچنان ادامه داشت و حماس طی یک جنگ داخلی کنترل باریکه غزه را بدست گرفت و حکومت در فلسطین در میان دو حزب حماس در غزه و فتح در کرانه غربی رود اردن منقسم گردید.

محمود عباس رئیس جمهور اداره خودمختار فلسطینی حکومت بر رهبری حماس را محکوم نمود و طبق یک پلان مخفیانه که جزئیات ان در مجله ونٹی فیر در سال ۲۰۰۷ نشر گردید، ایالات متحده به کمک اسرائیل گروه ملیشه های

محمد دهلان را که به محمود عباس رئیس جمهور اداره خودمختار فلسطینی و حزب فتح وی وفادار بودند مسلح ساخت تا حکومت حماس را سقوط دهد.

در عین زمان حزب حماس نیز رو به تقویت نهاد. حزب حماس بشکل گسترده توسط کشور عربستان سعودی تمویل و حمایت شده و پنجاه فیصد مصارف این گروه توسط آن کشور پرداخت میگردد. ایران نیز کشور دیگر بیست که این گروه را تمویل نموده و با کمک های خود به تقویت آن پرداخت. یک گزارش روزنامه تحقیقاتی فرانسوی حاکیست که دفتر استخبارات اسرائیل نیز مدتی گروه حماس را در مقابله با حزب فتح کمک و تمویل میکرد. ایهود المرت صدراعظم اسرائیل در سال ۲۰۰۷ در خطابه‌ی در پارلمان اسرائیل گفت: "نتن یا هو حماس را ایجاد نمود، انرا زنده ساخت، شیخ یاسین را آزاد نمود و به او فرصت رشد داد." اکنون اعضای حماس علاوه بر حمله بر اسرائیل، اعضای حزب فتح و فلسطینی های را که با دیگران همکاری میکنند نیز بقتل میرسانند.

حزب دوم بر سر اقتدار در فلسطین یعنی حزب فتح مانند حزب حماس از جانب جامعه بین المللی منعیث یک ارگان دهشت افکنی شناخته نشده است. این حزب در سال ۱۹۵۴ توسط مهاجرین فلسطینی در کشور های خلیج مصر و لبنان ایجاد گردید و بنیان گذاران آن شامل افرادی مثل یاسر عرفات میگردد. در سال ۲۰۰۵ حزب فتح نیز نتوانست متحد باقی بماند و بنا به نزاع و مخالفت های میان اعضای آن منقسم گردید و به دو بخش تقسیم شد. این انقسام توسط مروان بر غوتی یکی از رهبران محبوس فتح صورت گرفت. وی اعلام نمود که او گروه دیگری را بنام "المستقبل" ایجاد نموده است و دلیل این انقسام خستگی اعضای جوان حزب فتح از فساد موجود در حزب بیان گردید. مخالفت در میان ایندو حزب و دخالت مستقیم کشور های مثل ایران، سوریه، عراق، اردن، مصر و لبنان و کشور های اروپایی امریکایی باعث انقسام وحدت در میان فلسطینی ها و ضعف انسجام حزبی و گروهی گردیده است و در نتیجه به بی ثباتی در منطقه انجامیده است.

تاریخچه فلسطین بسا با افغانستان و سرنوشت آن مشابه میباشد. افغانستان نیز بعد از کسب استقلال در سال ۱۹۱۹ شاهد یک سلسله تحولات سیاسی گردید که رهبران بی کفایت، عدم موجودیت سیستم های سیاسی موثر و دخالت کشور های مختلف در اوضاع آن هر یک مسبب معضلاتی گسترده در این کشور گردید و بر مشکلات بر حال آن افزود.

بعد از تهاجم اتحاد جماهیر شوروی وقت بر افغانستان، همانند فلسطین، گروه ها و احزابی در داخل کشور شکل گرفت که در ابتدا اهداف آنان در خروج بیگانه و اتحاد ملی برای بهبود اوضاع کشور خلاصه میشد ولی همانند فلسطین و دو گروه فتح و حماس، بعد از خروج تهاجم گران این گروه ها برای کسب قدرت با یکدیگر به مجادله پرداخته و اهداف اصلی آنان که همانا مصلحت مردم و منطقه بود بدست فراموشی سپرده شد. دخالت کشور های همسایه افغانستان که هر یک از هر گروه بنفع خود استفاده کردند و دخالت کشور های عربی و خارجی در تمویل گروه حماس و فتح نیز شباهت میان ایندو کشور را دو چندان میسازد. خودفروختگی احزاب، به فراموشی سپردن ملت و اهداف ملی، کسب کرسی و قدرت و نیت دوگانه سردمداران ایندو کشور را میتوان مسبب حالت نزاری دانست که امروز در فلسطین و افغانستان دهه هاست زندگی باشندگان انرا به تباهی کشانیده است. در فلسطین نمایندگان حکومت خودمختار که از جانب غرب حمایت میشود میکوشند تا با مذاکره و حضور در ملل متحد اسرائیل را مجبور به آتش بس نمایند در حالیکه حماس که حامیانی مثل ایران، سوریه و حتی اسرائیل دارد همچنان بر شلیک راکت بر اسرائیل ادامه میدهد و این از موثریت تلاش آن کشور در ختم این معضله کاسته است. کلید حل مشکلات فلسطین، افغانستان و حتی عراق در دست طبقه محدود بر سر اقتدار در این کشور ها قرار دارد. هر گاه این گروه کشور و ملت خود را بر اهداف شخصی خویش و کشور های بیگانه ترجیح بدهند، ان زمان است که این کشور ها خواهند توانست بر پای خویش ایستاده و کشور سازی را آغاز نمایند. وگرنه در افغانستان این طبقه محدود با ادامه بازی مهره های قومی باعث تشدد بیشتر اوضاع خواهند و در نتیجه دخالت کشور های همسایه در امور این کشور خواهند شد، در فلسطین دو گروه حماس و فتح با اطاعت از چپ و راست و بی اعتنایی به مردم فلسطین این کشور را به مخروبه‌ی بی مبدل خواهند ساخت و در عراق تضاد های فر قوی و نژادی هزاران شیعه سنی یا کرد و غیر کرد را قربانی پلان های اندکی محدود خواهد ساخت.

پایان